



بیانات در نخستین دیدار هیئت دولت چهاردهم - 6 شهریور / 1403

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين سيما بقیة الله فى الارضين.

اولاً ایام اربعین را با همه‌ی وجود، با همه‌ی دل، تمجید و تکریم میکنیم و حرکت اربعینی مردم را، با استمداد از لطف خدای متعال، شکرگزاری میکنیم.

هفته‌ی دولت را به شما برادران و خواهران عزیز تبریک میگوییم و امیدواریم که ان شاء الله این هفته برای همه‌ی سالهای طولانی مسئولیت شما هفته‌ی امید و مزده و گزارشهای شادی بخش باشد.

یاد شهیدان عزیز، شهید رجائی و شهید باهنر را گرامی میداریم که این هفته به نام این دو بزرگوار «هفته‌ی دولت» نامیده شده و رمز ویژه‌ای در این نام‌گذاری وجود دارد و آن، این است که دولت، دولت گرامی‌دارنده‌ی شهدا و گرامی‌دارنده‌ی راه شهدا است که خب بحمدالله کم‌وبیش همین جور هم بوده.

یاد شهید عزیزمان، رئیس‌جمهور فقید، آقای رئیسی را گرامی میداریم و برای ایشان این نام نیک برجسته‌ای را که خدای متعال به او داد، دائمی و پایدار می‌طلبیم از خدای متعال. ان شاء الله که خداوند درجات ایشان را و همراهانشان را - از جمله وزیر خارجه‌شان (۲) را - عالی بدارد، باقی بدارد.

خدا را شکرگزاریم که بحمدالله دولت با همت رئیس‌جمهور محترم و با کمک ارزنده‌ی مجلس شکل گرفت؛ این خیلی نعمت بزرگی است. در بعضی از دولتهای گذشته، گاهی تا نزدیک یک ماه یا بیشتر، دولت نمیتوانست شکل بگیرد و همه‌ی وزرا از مجلس رأی اعتماد نگرفته بودند؛ این را خدا لطف کرد به شما و به ما و به کشور که بحمدالله همه‌ی وزرا از مجلس، با اعتماد مجلس به آنها، بسلامتی بیرون آمدند. کسانی که در این انتخابات و تشکیل این دولت - بعد از آن حادثه‌ی سنگین و تلخ - مؤثر بودند، همه پیش خدای متعال مأجورند: دست‌اندرکاران دولت قبل، صداوسیما، مسئولان گوناگون که کمک کردند به اینکه بعد از آن حادثه‌ی سنگین و تلخی که پیش آمد، کشور بتواند بانشاط وارد میدان انتخابات بشود، انتخابات ریاست جمهوری با امنیت و سلامت کامل انجام بگیرد، بعد وزرا انتخاب بشوند؛ واقعاً از همه‌ی آنها باید سپاسگزاری کنیم. از خداوند متعال هم واقعاً خیلی باید متشکر باشیم. حالا من نکاتی را عرض میکنم، این نکته‌ی تشکر را هم باز بعداً عرض خواهم کرد.

آقای رئیس‌جمهور [هم] در این زمینه برای انتخاب وزیرانی که باید با ایشان همکاری کنند، خیلی پُرکار و باتلاش وارد شدند؛ با بنده هم مشورت کردند و من تعدادی از افرادی که می‌شناختم یا صلاحیت آنها از طرق مورد وثوق به ما رسیده بود، اینها را تأیید کردم، بعضی‌ها را هم تأکید کردم؛ تعداد بیشتری را هم نمی‌شناختم، گفتم نظری نسبت به آنها ندارم. خب بحمدالله ایشان توانستند انتخاب را انجام بدهند و مجلس را هم قانع کنند و این موفقیت بزرگی بود و خدا را سپاس میگوییم.



امروز همه‌ی این وزرای محترم و شما برادران و خواهران عزیزی که مورد اعتماد رئیس‌جمهور و مجلس قرار گرفتید، مقامات عالی‌رتبه‌ی این کشورید؛ وظیفه‌ی همه‌ی ما است که از شماها حمایت کنیم، کمکتان کنیم – اگر احتیاج به کمک داشته باشید – و تلاش کنیم که ان شاءالله شما در کارهایتان موفق باشید.

چند نکته را من یادداشت کرده‌ام که عرض میکنم. نکته‌ی اول مسئله‌ی شکر خدا است. شما امروز در جایگاهی قرار گرفته‌اید که میتوانید در پیشرفت کشور و در اداره‌ی امور کشور مؤثر باشید؛ وزارت، یک چنین موقعیتی را به شماها داده. این نعمت الهی است؛ اینکه انسان بتواند خدمت کند به مردم، نعمت بزرگی است. خیلی‌ها دوست دارند خدمت کنند، فرصت برایشان پیش نمی‌آید. خدا به شما این فرصت را داده؛ خدا را شکر کنید، سپاسگزاری کنید، قدرتان باشید، از خدای متعال کمک بخواهید، این مسئولیت را امانت خدا و امانت مردم بدانید و از این مسئولیت و مأموریت بزرگ پاسداری کنید. البته [این] چهار سال بخشی از عمر انسان است که به سرعت برق و باد میگذرد. بنده حالا در سنین هشتادوپنج‌سالگی وقتی نگاه میکنم به پشت سرم، میبینم این ۸۵ سال به سرعت برق عبور کرده و گذشته. این جور است؛ چهار سال زود میگذرد، لکن در همین مهلت زودگذر کارهای بزرگ میتوان کرد. امیرکبیر سه سال در کشور حکومت کرد، کارهای بزرگی را بنیان‌گذاری کرد. خود آقای رئیسی عزیز ما سه سال حکومت کرد و ریاست کرد، کارهای خوبی ایشان انجام داد و بعضی کارها را پایه‌گذاری کرد که ان شاءالله ثمره‌اش را بعدها کشور خواهد دید. بنابراین، میتوانید کار کنید؛ در این چهار سال، با سلامتی و عافیت ان شاءالله کارهای بزرگی را میتوانید انجام بدهید.

نکته‌ی دوم این است که یکی از شرایط کارآمدی کارگزاران دولت این است که داشته‌های خودشان را بشناسند، ثروتهای موجود خودشان را بشناسند، استعدادها و ظرفیتهای قابل به فعلیت رسیدن را بشناسند. بنده در این سالهای طولانی با مسئولینی برخورد کرده‌ام که [ظرفیتهای] را نمی‌شناختند؛ نیروی انسانی کشور را نمی‌شناختند، نیروهای طبیعی کشور را نمی‌شناختند. یک مسئولی یک وقتی به من گفت که ما برای ساختن بزرگراه بایستی از مهندسين خارجی استفاده کنیم! امروز به دست جوانهای شما، سرتاسر کشور بزرگراه و آزادراه و مانند اینها ساخته شده و [به آن خارجی‌ها] احتیاج نداشتیم؛ این نشناختن عیب بزرگی است. مثالهای گوناگون دیگری هم در ذهنم هست که لزومی ندارد بگویم.

داشته‌ها را بشناسید. ما ثروتهای فعلی‌مان هم زیاد است، ظرفیتهایمان هم چندین برابر آن چیزی است که بالفعل دارا هستیم. ما چند نوع داشته و ظرفیت داریم؛ یعنی بالفعل و بالقوه. یکی ظرفیتهای طبیعی است. ما از لحاظ منابع زیرزمینی، ظرفیتهای زیادی داریم؛ نفت داریم، گاز داریم، انواع و اقسام منابع ارزشمند داریم. در همین کویری که شما می‌بینید، آنهایی که کویرشناسان یک وقتی به من گفتند منابع عظیمی وجود دارد؛ ثروتهایی که ارزشش از نفت و گاز بیشتر است. ما از این چیزها داریم. موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فردی در این منطقه داریم. ما از لحاظ زمینی، سر چهارراه شرق و غرب و شمال و جنوب قرار داریم؛ این موقعیت بسیار مهمی است. از لحاظ اقلیمی، تنوع اقلیمی یک فرصت بسیار بزرگی است که ما داریم. از لحاظ سواحل طولانی دریای آزاد، ما این فرصت را داریم؛ جزایرمان، سواحلمان، همه فرصت است. همین منطقه‌ی مکران – که حالا خوشبختانه آقای رئیس‌جمهور که راجع به این قضیه با من صحبت میکردند، چند بار اسم آوردند و روی این قضیه حساسند – یک فرصت بزرگی است. از این قبیل فرصتها ما زیاد داریم؛ اینها فرصتهای طبیعی است.



یک نوع فرصتها، فرصتهای انسانی است، ظرفیتهای انسانی است. جوانان تحصیل کرده؛ ما در این کشور میلیون‌ها جوان تحصیل کرده داریم که اینها تشنه‌ی کار کردن هستند؛ اگر بتوانیم از اینها استفاده کنیم، بشناسیم اینها را، بتوانیم از نیروی اینها و از فکر اینها استفاده کنیم، دنیایی کار برای کشور به وجود می‌آید. جوانان تحصیل کرده، استعدادهای درخشان، توانایی‌های علمی، ظرفیت نابغه‌سازی؛ ببینید، ما وقتی که مثلاً نگاه میکنیم به خواجه نصیر یا ابن‌سینا یا محمدبن زکریای رازی یا ملاحدرای یا بقیه‌ی دانشمندان برجسته‌ای که تا زمان ما در کشور بودند، این به ما نشان میدهد که سقف پرواز فکری و علمی ما خیلی بالا است و میتوانیم به آن جاها برسیم. بعد از هزار سال، هنوز کتابهای ابن‌سینا در دنیا مطرح است؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است، این پدیده‌ی مهمی است. ما توانایی نابغه‌سازی داریم؛ یعنی در بین جوانهای ما، نوابغی میتوانند به وجود بیایند. اینها فرصتهای انسانی و داشته‌های انسانی ما است.

ایمان مردمان جزو ظرفیتهای آنها است؛ این ایمانی که مردم دارند - ایمان مذهبی و ایمان سیاسی - خیلی باارزش است؛ این هم یک جور ظرفیت است. یک جور ظرفیتهای دیگر عبارت است از ظرفیتهای سیاسی کشور، [مثل] عمق راهبردی ما. یک روزی بود که ایران را با قالی و نفت می‌شناختند، امروز ایران را در دنیا با علم می‌شناسند، با پیشرفت نظامی می‌شناسند، با قدرت منطقه‌ای می‌شناسند، با عمق راهبردی می‌شناسند؛ این یک فرصتی است که در اختیار ما است. توانایی تأثیرگذاری روی کشورهای دنیا، روی منطقه، چیز کوچکی نیست، چیز خیلی مهمی است؛ این هم از فرصتهای ما است.

یک فرصت دیگری که جزو ارزنده‌ترین فرصتها است، تجربه‌ها است؛ باید قدر این تجربه‌ها را بدانیم. الْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ؛ این فرمایش امیرالمؤمنین است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) استفاده‌ی از تجربه‌ها و حفظ کردن تجربه‌ها را نشانه‌ی خردمندی میدانند. وَ حَيْرٌ مَا جَرَّبْتَ مَا وَعَظْتَ؛ (۳) تجربه‌ای که بتواند به شما درس بدهد و راه را جلوی پای شما بگذارد. ما تجربه‌های خوبی داریم؛ دولتهای گوناگون آمدند و کارهایی کردند که برای ما تجربه شده: یک کارهایی بوده که نباید میکردند، کردند، ضرر کردیم؛ یک کارهایی بوده که باید میکردند و کردند، سود بردیم؛ اینها همه تجربه است، از اینها میشود استفاده کرد.

نکته‌ی بعدی: انتخاب همکار. بالاخره شما همکارانی انتخاب میکنید؛ توصیه‌ی بنده این است که از همکاران دارای این خصوصیات بیشتر استفاده کنید: جوان، مؤمن، انقلابی، متعهد، پُرانگیزه؛ اینها هستند که میتوانند به شما کمک کنند. ما در بخشهای مختلف علمی و تحقیقاتی، مثل بخش هسته‌ای، بخش نانو، بخش سلول‌های بنیادی، بخشهای گوناگونی که جزو گره‌های بزرگ علمی و تحقیقاتی در دنیا بوده، از این جوانها استفاده کردیم و پیش رفتیم، پیشرفتهای بزرگ انجام گرفته بحمدالله. آن خصوصیت این است؛ از این جوانها استفاده کنید، [چون] گره‌ها را باز میکنند. ضمناً شما وقتی که جوانها را آوردید در رده‌های گوناگون مدیریتی از پایین گذاشتید، یک نسلی از مدیران پُرانگیزه برای فردا دارید تربیت میکنید؛ یعنی وقتی شما جوانها را آوردید داخل تشکیلات خودتان، اینها تجربه پیدا میکنند و برای فردا یک نسل برجسته‌ی مدیر پُرانگیزه‌ای شما تولید کرده‌اید که به نظر من این خیلی چیز باارزشی است. با آقای رئیس‌جمهور هم که ما صحبت میکردیم، همین موضوع مطرح شد؛ اگر چنانچه ایشان بتوانند مثلاً فرض کنید صد جوان مؤمن پُرانگیزه‌ی انقلابی متعهد را آماده کنند و آخر دولتشان همین صد جوان را تحویل کشور بدهند، به نظر من کار بسیار بزرگی انجام گرفته. بنابراین، این هم مسئله‌ی انتخاب [همکار]. مرحوم شهید رئیسی در این زمینه توفیقات خوبی داشتند؛ ان شاءالله که توفیقات شما چند برابر ایشان باشد.



نکته‌ی چهارم درباره‌ی مسئله‌ی کارشناسی است. در تبلیغات آقای دکتر پزشکیان و اظهاراتی که گفته شد، رجوع به کارشناس‌ها تکرار شده. بنده به این قضیه‌ی رجوع به کارشناس عقیده‌ی راسخ دارم؛ بنده معتقدم که دولت‌ها وقتی که کار کارشناسی میکنند، حکمرانی‌شان حکمرانی خردمندانه و اندیشه‌ورزانه خواهد بود، نه حکمرانی محفلی و رفاقتی و توصیه‌ای. خصوصیت کار کارشناسی این است که گاهی شما یک کار کارشناسی‌ای را انجام میدهید، بر خلاف خواست چند نفر رفیق و دوست و آشنا و آدم صاحب نفوذ و مانند اینها؛ آنها را ناراضی میکنید، اما ملت را راضی میکنید، کشور را پیش میبرید؛ کار کارشناسی این است. بنده تأیید میکنم و بر کار کارشناسی تأکید میکنم، منتها یک نکته‌ای اینجا وجود دارد در انتخاب کارشناس: گاهی اوقات، در مواردی، تهنشین‌های ذهنی غلط یک کارشناس، با ادبیات کارشناسی به میدان می‌آید، با لباس کارشناسی به میدان می‌آید، آن وقت مشکل درست میکند و آن نظرات غلط حاکم بر ذهن آن کارشناس را یا خصوصیات اخلاقی او را به شما تحمیل میکند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این زمینه هم توصیه دارند: لا تدخلن فی مشورتک بخيلاً... و لا جباناً؛ با بخیل مشورت نکن. یعنی چه؟ یعنی کارشناست بخیل نباشد؛ چرا؟ برای خاطر اینکه اگر خواستی کمکی به کسی بکنی، این بخیل جلویت را میگیرد میگوید که جیب خالی میشود. با آدم ترسو مشورت نکن، از آدم بزدل نظر کارشناسی نگیر؛ برای خاطر اینکه هر کار بزرگی بخواهی انجام بدهی، هر اقدام خوبی و قدم بلندی بخواهی برداری، تو را میترساند که اگر این کار را بکنی، چنین میشود، چنان میشود. و لا حریصاً؛ (۴) با آدم حریص مشورت نکن - یعنی از او کارشناسی نخواه - چون آدم حریص، آن حرص خودش را به تو منتقل میکند. حالا اینها نمونه است؛ یعنی این خلیقات یک کسی که طرف مشورت ما است، میتواند در رأی مشورتی او اثر بگذارد و کار دست ما بدهد. بنابراین، مواظب باشیم از کارشناسی استفاده کنیم که مؤمن باشد، صادق باشد، به توانمندی داخلی و ملی کشور معتقد باشد، سرمایه‌های ملی را بشناسد. از کارشناس‌هایی استفاده نکنیم که دنبال نسخه‌های نسخ‌شده‌ی خارجی‌اند. بعضی اوقات یک نسخه‌ی اقتصادی یا اجتماعی یا فرض کنید که سیاسی در خارج، پنجاه سال پیش یا هفتاد سال پیش مطرح شده، بعد هم نسخ شده، ما حالا آن نسخه را بیاوریم اینجا مطرح کنیم! مراقب باشید کارشناس به این شکل نباشد، والا اصل کارشناسی بسیار لازم است.

نکته‌ی بعدی درباره‌ی حضور در بین مردم است. اینکه اگر سفر استانی کردید، بگویند این پوپولیست است، عوام‌گرا و مانند اینها است، این حرفها را اعتنا نکنید. اطلاع از متن آنچه در زندگی مردم میگردد، با کارتابل و گزارش کتبی امکان‌پذیر نیست؛ باید بروید ببینید و از خود مردم بشنوید. وقتی انسان میرود می‌شنود، میبیند که با آنچه در گزارش به ما رسیده تفاوت‌های زیادی وجود دارد. نمیخواهم بگویم همه‌ی گزارشها خلاف است، غلط است؛ نه، گزارشهای خوب هم داریم، منتها گزارش نشان نمیدهد واقعیت را. الان که میخواستیم بیاییم اینجا، من راجع به این راه‌پیمایی اربعین به یک نفری که از راه‌پیمایی برگشته بود گفتم چطور بود، خوب بود، گفت اگر همه‌ی علما، همه‌ی شعرا، همه‌ی دانشمندا جمع بشوند، نمیتوانند یک‌هزارم آنچه را که دارد اتفاق می‌افتد توصیف کنند! این را یک نفری همین یک ساعت پیش به من گفت؛ یعنی دیدن - [اینکه] انسان از نزدیک ببیند - یک چیز دیگر است. بروید بین مردم؛ بروید با مردم گرم بگیرید، صحبت کنید. یک جاهایی، در یک شهرستانی، در یک روستایی، مقتضی است بروید در خانه‌ی مردم؛ در منطقه‌ی زلزله‌زده یا سیل‌زده، بروید در چادر مردم؛ بروید ببینید، از آنها بشنوید، آن وقت بر اساس اینها تصمیم بگیرید. بنابراین، حضور در [بین] مردم خیلی خوب است، سفرهای استانی خیلی خوب است و ان شاء الله توفیقاتی داشته باشید.

نکته‌ی بعدی در باب عدالت است. خب «عدالت» در کلمات همه‌ی ماها تکرار میشود. آقای دکتر پزشکیان هم، چه



در انتخابات و تبلیغات انتخاباتی، چه بعد از آن، چه در همین جلسه‌ی امروز ما، راجع به عدالت و اهمیّت عدالت صحبت کردند. همین هم هست؛ یعنی بنده نمیخواهم راجع به لزوم عدالت بحث کنم؛ این جزو بیّنات نظام و بیّنات اسلامی و بیّنات انقلاب است؛ بحث سر این نیست. بحث سر این است که عدالت را چه جوری تأمین کنیم؟ راهکار چیست؟ خوب همه‌ی ما میخواهیم عدالت انجام بگیرد، مرتب هم قانون و قاعده و مقرّرات و برنامه و امثال اینها دارد تصویب میشود، گفته میشود، اجرا میشود؛ اینها با عدالت چه نسبتی دارند؟ چقدر میتوانند عدالتی را که ما دوست میداریم و مدام تکرار میکنیم تأمین کنند؟ من چند سال قبل از این، «پیوست عدالت» را مطرح کردم؛ (۵) گفتم شما هر قانونی [تصویب میکنید]، هر تصمیمی میخواهید بگیرید - تصمیم مهم، قانون مهم - یک پیوست عدالت برایش تهیه کنید. مرحوم آقای رئیسی یک مقداری هم در این قضیه پیش رفت؛ ایشان کارهایی هم کردند، [منتها] نیمه‌کاره ماند. میخواهم این توصیه را به شما بکنم: پیوست عدالت لازم دارد. پیوست عدالت یک ترتیب اداری یا یک فرم تشریفاتی نیست، یک امر واقعی است؛ یعنی مراکزی مثل سازمان برنامه - از باب مثال - که برنامه را تنظیم میکنند، تصمیم‌ها را میسازند، تصمیم‌سازی میکنند، قانونها را آماده میکنند، لوایح قانونی دولت را آنها مینویسند، آنها تنظیم میکنند، بایستی یک مراقبتی [کنند] - حالا یا از سوی خود آنها یا کسانی را آقای رئیس‌جمهور معین کنند - نگاه کنند ببینند تأثیر این قانون، تأثیر این برنامه در شکاف اجتماعی چقدر است، کم میکند، زیاد میکند، تأثیر میگذارد، نمیگذارد، فاصله‌ی طبقاتی را کم میکند زیاد میکند؛ این را مراقبت کنند و اگر دیدند این برنامه موجب میشود که فاصله‌ی طبقاتی زیاد بشود، برنامه را حذف کنند، [یا] آن قسمت از برنامه را حذف کنند. «پیوست عدالت» یعنی این، نه اینکه ما یک کاغذی پیوست کنیم به قانونمان که یک شرایطی بگذاریم؛ نه، در خود قانون [باشد]؛ این کار آسانی نیست، یک کار سختی است، کار مشکلی است. بنده البته اطلاع پیدا کردم یک تعدادی جوان دانشگاهی فاضل و مطلع یک نرم‌افزاری برای این کار تهیه کردند که حالا اگر خواستید، مراجعه میکنید و میخواهیدشان و [اگر] مورد قبولتان قرار گرفت، مورد استفاده قرار میدهید. به هر حال، مسئله‌ی عدالت مسئله‌ای است که با زبان و با خواهش و با درخواست و با تکرار و با تهدید و مانند اینها عملی نمیشود. عدالت اجرا میخواهد، انگیزه میخواهد، ورود در میدان میخواهد. خوشبختانه انگیزه‌اش وجود دارد؛ من میبینم ایشان (۶) انگیزه‌ی این کار را دارند. خیلی خوب، راهش را پیدا کنید؛ دنبال این بروید که چه جوری میتوانید عدالت را اجرا کنید. جوری عمل بشود که هیچ مدیری و هیچ مسئولی نتواند تخلف کند از آن راهی که به عدالت منتهی میشود.

نکته‌ی بعدی: رعایت اولویّتها. ما وقت کمی داریم، پول کمی هم داریم، کار زیادی هم داریم؛ ببینید اولویّتها چیست. دو جور اولویّت داریم؛ چه اولویّتهای کارهای زیرساختی و اساسی، چه اولویّتهای کارهای فوری. بعضی از اولویّتها مربوط به مسائل فوری است، باید اینها را داخل جامعه به یک شکلی به صورت مناسبی حل کرد؛ مسئله‌ی گرانی، تورّم و امثال اینها. بعضی از مسائل، مسائل زیرساختی است؛ اگر چنانچه امروز نکرديم، ده سال دیگر باید شروع کنیم. اینکه درباره‌ی انرژی هسته‌ای بعضی تردید میکنند که چه فایده دارد، بر اثر غفلت از این قضیه است. بالاخره این کشور نمیتواند خودش را از این امکان علمی فنی پیشرفته‌ی دنیا محروم کند؛ اگر امروز شروع نکرديد، ده سال دیگر باید شروع کنید؛ [آن وقت] ده سال عقبید.

مثلاً من اشاره کردم به موقعیّت جغرافیایی؛ الان دولت طرحهایی دارد در زمینه‌ی مسیر «شمال - جنوب» و «شرق و غرب» که البته «شمال - جنوب» مهم‌تر است؛ این خیلی مهم است. شمال [کشور] ما به مجموعه‌ای از کشورها وصل است که به اروپا و به جاهای دیگر منتهی میشود، جنوبمان هم دریا است و اقیانوس هند است و مجموعه‌ی آسیای با آن عظمت است. ما این وسط قرار داریم؛ این یک اولویّت زیرساختی است؛ نمیشود از این صرف نظر کرد،



باید دنبال کرد این را. ما از این قبیل اولویتهای زیرساختی داریم.

مسئله‌ی امنیت غذایی جزو اولویتهای مهم است. به مناسبت امنیت غذایی، مسئله‌ی خودکفایی در گندم خیلی مهم است، مسئله‌ی نوع استفاده‌ی از آب در کشاورزی خیلی مهم است. بعضی‌ها شیوه‌های نویی دارند؛ شنیدم بعضی‌ها هم رفته‌اند با آقای دکتر پزشکیان مطرح کرده‌اند. ممکن است اول کار یک مقداری مشکلاتی داشته باشد، گران تمام بشود، لکن یقیناً آینده‌دار است؛ اینها را باید ما دنبال کنیم، اینها کارهای زیرساختی است، اولویتهای ما اینها است.

از این قبیل، توسعه‌ی مسئله‌ی نفت است: هم در بخشهای بالادستی نفت، مثل این چاه‌ها و این شیوه‌های جدیدی که برای استخراج نفت در دنیا امروز مطرح است و ما در این زمینه‌ها عقبیم، باید هر چه ممکن است استفاده کنیم از امکاناتمان و این شیوه‌ها را فراهم بکنیم؛ هم در زمینه‌های پایین‌دستی، مثل پالایشگاه، مثل رسیدن به محصول نهایی. امروز محصول نهایی ما در نفت مثلاً بنزین یا گازوئیل است، در حالی که محصول نهایی اینها نیست؛ چیزهای دیگری هم آن‌طور که گفته میشود وجود دارد که میتوانیم به آنها برسیم. اینها اولویتهای ما است که بایستی ان شاء الله به اینها توجه بشود.

نکته‌ی بعدی که من یادداشت کرده‌ام – که نکته‌ی هشتم میشود – درباره‌ی فضای مجازی است. فضای مجازی یک دنیای جدیدی است دیگر؛ شماها بیشتر از بنده هم حتماً مطلعید؛ یعنی فضای مجازی دیگر امروز مجازی نیست، امروز یک واقعیتی است در زندگی مردم که روزبه‌روز هم دارد پیش میرود. آنچه مهم است این است که در فضای مجازی، حکمرانی قانونمند وجود داشته باشد؛ اینکه بنده گاهی گفته‌ام فضای مجازی رها و ول است، به خاطر این است. حکمرانی بر اساس قانون؛ اگر قانونی ندارید، قانون را به وجود بیاورید و بر اساس آن قانون، زمام کار را به دست بگیرید. همه‌ی دنیا این کار را میکنند؛ می‌بینید دیگر، این جوان بیچاره را فرانسوی‌ها [بازداشت کردند]! (۷) یعنی این قدر و تا این حد سخت‌گیری انجام میگیرد که طرف را میگیرند زندان میکنند، تهدید میکنند که بیست سال محکومیت به تو خواهیم داد؛ این برای خاطر آن است که حکمرانی آنها را نقض کرده. نقض حکمرانی قابل قبول نیست؛ یک کشور در اختیار شما است که در قبالش وظیفه دارید، در قبالش مأموریت دارید؛ نمیشود حکمرانی شما را نقض کرد، نباید نقض کنند. مسئله‌ی [حکمرانی] این است. من به این مناسبت فضای مجازی، حرف خودم را و آن مبنای خودم را گفتم، قبلاً هم گفته‌ام، بعضی‌ها جور دیگری تبیین میکنند یا میفهمند یا نمیخواهند بفهمند، اما حرف من این است: فضای مجازی در کشور باید قانونمند بشود؛ آن وقت یک فرصت خواهد شد. اگر ما توانستیم در فضای مجازی حکمرانی قانونمند داشته باشیم، فضای مجازی برای کشور یک فرصت میشود، و الا ممکن است تهدید بشود.

به این مناسبت، من مسئله‌ی هوش مصنوعی را مطرح کنم که یک بار دیگر هم در آن جلسه‌ی تنفیذ اشاره‌ای کردم. (۸) ببینید، امروز هوش مصنوعی با یک شتاب حیرت‌دهنده‌ای [دارد پیش میرود]؛ یعنی انسان متحیر میشود از شتابی که این فناوری عجیب در دنیا پیدا کرده و دارد پیش میرود. خوب الان دستگاه‌های مختلف ما – نظامی و غیر نظامی – از هوش مصنوعی دارند استفاده میکنند، بهره‌برداری میکنند، اما این ما را فریب ندهد. در مسئله‌ی هوش مصنوعی، بهره‌بردار بودن امتیاز نیست؛ این فناوری لایه‌های عمیقی دارد که باید بر آن لایه‌ها مسلط شد؛ آن لایه‌ها دست دیگران است. اگر شما نتوانید لایه‌های عمیق و متنوع این فناوری هوش مصنوعی را تأمین کنید، فردا اینها یک ایستگاهی مثل آژانس اتمی درست میکنند برای هوش مصنوعی – که الان دارند مقدماتش را فراهم میکنند – که اگر چنانچه به آن ایستگاه رسیدید، باید اجازه بگیرید که در فلان بخش از هوش مصنوعی استفاده کنید، در فلان



بخش دیگر حق ندارید استفاده کنید! این جوری است؛ زرنگهای دنیا، فرصت طلبها و قدرت طلبهای دنیا دنبال این چیزها هستند. یک آژانس هوش مصنوعی هم به وجود می‌آید، آن وقت اجازه نمیدهند که شما از این منطقه عبور کنید. خودتان باید برسید به فناوری‌های عمیق و ژرف این مسئله و لایه‌های زیرساختی هوش مصنوعی را باید در کشور دنبال کنید. آن کسانی که مسئول این مسائل هستند ان‌شاءالله اینها را دنبال کنند. البته زمان دولت سیزدهم یک سازمانی تشکیل شد به نام «سازمان ملی هوش مصنوعی»، زیر نظر رئیس‌جمهور؛ این کار خوبی بود که خب حالا دیگر نصفه کاره مانده. اگر چنانچه همان سازمان زیر نظر خود آقای رئیس‌جمهور ادامه‌ی کار بدهد، امید فراوانی وجود دارد که ان‌شاءالله این کار به همین شکلی که عرض شد پیش برود.

نکته‌ی بعدی در باب اقتصاد است که خب حالا دیگر من در این زمینه حرف زیادی ندارم. آن چیزی که کارشناس‌های متعدّد و مورد اعتمادی در باب مسئله‌ی اقتصاد به ما میگویند این است که کلید مشکلات اقتصادی کشور در تولید است؛ طرف عرضه. اگر ما بتوانیم تولید را پیش ببریم، مسئله‌ی تورّم حل میشود، مسئله‌ی اشتغال حل میشود، مسئله‌ی ارزش پول ملی حل میشود. مسئله‌ی تولید را باید جدّی گرفت. اگر چنانچه بخواهیم کشور در تولید ملی پیشرفت بکند، کمک دولت را لازم دارد؛ بدون کمک دولت نمیشود. همین بهبود فضای کسب و کار و این حرفهایی که همیشه زده میشود، باید عملیاتی بشود. چند ماه قبل بود که یک گروهی از همین کارآفرینان اقتصادی آمدند با ما ملاقات کردند و صحبت‌هایی کردند؛ (۹) انسان وقتی به حرفهای اینها گوش میکند، [میبیند] توانایی‌هایی که در اختیار این کارآفرینان ما هست واقعاً شگفت‌آور است. میتوانند کارهای خوبی انجام بدهند؛ گاهی کارهای بظاهر نشدنی را اینها انجام داده‌اند؛ سود هم برده‌اند، استفاده هم کرده‌اند، به کشور هم سود رسانده‌اند؛ همه‌ی اینها هم تکرار میکنند که به کمک دولت احتیاج دارند، [لذا] دولت باید کمک کند به اینها.

یک نکته هم مسئله‌ی مهمّ جمعیت و مسئله‌ی پیری زود هنگام کشور است که خیلی [مهم است]. چهل سال قبل، نرخ رشد جمعیت‌مان ۳.۵ درصد بوده که از نرخهای خیلی بالا است. خب یک عده‌ای دستپاچه شدند و یک مقرّراتی را گذاشتند و یک محدودیتهایی را ایجاد کردند. حالا آن نرخ [رشد جمعیت] ما ۳.۵ که هیچ – البته من دقیق نمیدانم، الان آمار جدیدی ندارم – مثلاً نیم درصد یا حداکثر یک چیز این جوری است، ما باز همان مقرّرات را میخواهیم اعمال کنیم! این[طور] که نمیشود. مقرّرات باید منعطف باشد. یک روز جمعیت بی‌ضابطه دارد اضافه میشود، جلوییش را بگیرید، خوب است؛ یک روز هم جمعیت متوقف میشود یا دارد به طرف عقب میرود، کشور به سمت پیری میرود، اینجا باید بلافاصله مقرّرات را طبق نیاز کشور تغییر بدهید. من از آقای دکتر ظفرقندی، وزیر محترم بهداشت، جدّاً میخواهم ایشان روی این مسئله شخصاً تکیه کنند، دنبال کنند این موضوع را؛ یعنی واقعاً بروید دنبال این قضیه و نگذارید این موانع تولید مثل و ولادت – که متأسفانه زیاد هم هست – ادامه پیدا کند و بر اینها کاملاً تسلط پیدا کنید. شماها خیلی‌هایتان در دوران جوانی کارهایی کردید که ممکن است امروز آن کارهای پیش‌رونده را نتوانید بکنید. خب ما احتیاج به جوان داریم در کشور. اگر خدای نکرده کشور دچار این عاقبت تلخ و سخت شد، یعنی پیری جمعیت، دیگر هیچ علاجی وجود ندارد؛ امروز خیلی از کشورها مبتلا هستند. این مسئله‌ی جمعیت است.

یک مسئله، مسئله‌ی نهراسیدن از مانع است. من این را خواستم به آقایان و خانمها عرض بکنم که هیچ کار بی‌مانعی وجود ندارد؛ هیچ برنامه‌ای که مانعی سر راهش قرار نگیرد شما پیدا نمیکنید؛ همیشه یک موانعی وجود دارد. بعضی‌ها وقتی به مانع برخورد میکنند، اولین گزینه‌شان عقب‌نشینی است؛ این خطا است. سعی کنید از مانع عبور کنید، سعی کنید مانع را دور بزنید. بعد از اینکه همه‌ی کارها را کردید، یک وقت هم انسان عقب‌نشینی تاکتیکی



میکنند - حرفی نیست - لکن این جور نباشد که ما تا به یک مانعی برخورد کردیم، فوراً از حرفمان، از رأیمان، از برنامه‌مان برگردیم. از مانع نهراسید؛ این هم توصیه‌ی بعدی ما است.

به دشمن هم امید نبندید. حالا ایشان (۱۰) هم اشاره کردند، دیروز پریروز هم ظاهراً وزیر خارجه‌ی محترم (۱۱) یک اشاره‌ای کرده بودند. ما به دشمن امید نبندیم؛ برای برنامه‌هایمان منتظر موافقت دشمنان و کسانی که با ما [دشمنند نباشیم]؛ این منافات ندارد با اینکه آدم با همان دشمن در یک جایی تعامل هم بکند؛ مانعی ندارد؛ اما امید به او نبندید، اعتماد به دشمن نداشته باشید.

آخرین نکته‌ای که عرض میکنم این است که در دوران این مسئولیت، هر چه میتوانید به معنویات خودتان بیشتر توجه کنید. عزیزان من! همه‌ی ما احتیاج داریم به دل پُریمان، به عمل عبادی، به انس بیشتر با قرآن و تضرع بیشتر پیش خدا؛ به همه‌ی اینها واقعاً احتیاج داریم. آنچه من به طور خاص سفارش میکنم، نماز یا خشوع است، نماز اول وقت است، حتی المقدور نماز با جماعت است و اگر بتوانید در محیط کارتان نماز بخوانید، با کارکنانتان نماز بخوانید، خیلی بهتر است. شما الگو هستید برای یک جمعی؛ اولاً برای کارکنان خودتان، ثانیاً مردم به شما نگاه میکنند؛ رفتار شما، پوشش شما، چهره‌ی شما برای خلی از مردم الگو است؛ به این توجه داشته باشید. یک کارهایی را شما باید انجام بدهید و مقید باشید که شاید یک آدم معمولی لزومی ندارد مقید باشد. من این توصیه را به آحاد مردم نمیکنم، اما به شما چرا؛ چون شما الگو هستید، چون به شما نگاه میکنند، از شما یاد میگیرند، رفتار شما یک مجموعه‌ای از رفتارها را در کشور شکل میدهد. و از خدای متعال بخواهید و تضرع کنید که به شما کمک کند. اگر بتوانید و توفیق پیدا کنید نوافل را بخوانید - بخصوص نافله‌ی شب را - و بتوانید سحرخیزی داشته باشید، این خیلی بهتر است؛ سحر وقت خیلی خوبی است برای خلوت کردن با خدای متعال و حرف زدن با خدای متعال و خواستن از خدای متعال. شماها هم در وادی خدمت پا گذاشته‌اید، وارد میدان خدمت شده‌اید؛ قصد قربت کنید، نیت کنید برای خدا. این هم که حالا ممکن است بگویند «فلانی تظاهر میکند»، وسوسه‌ی شیطان است. بعضی‌ها هستند تا آدم به آنها میگوید، میگویند «اگر این کار را بکنیم، میگویند فلانی تظاهر میکند، متظاهر است»؛ خب بگویند! به نظر من اسیر و تسلیم این وسوسه نباید شد. شما با خدا قرار بگذارید، عهد کنید، عمل کنید، ان شاء الله خدای متعال هم آبروی شما را حفظ میکند، به شما عزت میدهد، شما را بالا میبرد و به شما آبرو میدهد.

ان شاء الله خدای متعال همه‌ی شما را موفق بدارد. یک قدری طولانی شد اما ان شاء الله مفید باشد، مؤثر باشد، همه‌ی ما بتوانیم با هم برای این کشور و برای این مردم و برای اسلام ان شاء الله کار کنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، آقای دکتر مسعود پزشکیان (رئیس‌جمهور) مطالبی بیان کرد.

(۲) آقای حسین امیرعبداللهیان

(۳) نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱

(۴) نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳

(۵) بیانات در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم (۱۴۰۰/۶/۶)

(۶) رئیس‌جمهور

(۷) اشاره به بازداشت پاول دورف (مدیرعامل رسانه‌ی اجتماعی تلگرام) توسط پلیس فرانسه، به اتهام عدم همکاری



- با مقامات قضائی و عدم اقدام در برابر استفاده‌ی مجرمانه‌ی برخی از کاربران تلگرام.
- ۸) بیانات در مراسم تنفیذ حکم چهاردهمین دوره‌ی ریاست جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳/۵/۷)
- ۹) دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی (۱۴۰۲/۱۱/۱۰)
- ۱۰) رئیس‌جمهور
- ۱۱) آقای سیدعباس عراقچی